

سیاستگذاری خارجی دولت محمود احمدی نژاد در دوره های نهم و دهم در انطباق با سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران ۱۴۰۴

فاطمه رشیدی^۱، مالک ذوالقدر^{۲*}، بهمن کشاورز قاسم آبادی^۳، عباس مرادی^۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۸

چکیده

مهمترین اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، در سند چشم‌انداز بیست ساله‌ی (افق ۱۴۰۴) کشور تعیین شده، تا دستگاه سیاست خارجی موظف باشد عملکردی مطابق با این اهداف و سیاست‌ها داشته باشد. با توجه به فرارسیدن افق مدنظر در این سیاست و ضرورت ارزیابی عملکرد دولت مشغول به فعالیت طی مدت زمان مندرج در سند چشم‌انداز بیست ساله، در این پژوهش، دو دوره ۴ ساله که در بردارنده دوران ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد بوده است، با هدف ارزیابی سیاستگذاری خارجی دولت در دوره‌های نهم و دهم در انطباق با سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران ۱۴۰۴ به انجام رسیده است. این پژوهش با اتخاذ روش توصیفی - تحلیلی درصدد است تا با ارائه یک مدل ارزیابی، ضمن تشریح اهداف سیاست خارجی سند چشم‌انداز بیست ساله ایران، عملکرد دستگاه سیاست خارجی کشور را طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ در رابطه با پرونده هسته‌ای، بیداری اسلامی، روابط با غرب و شرق و کشورهای منطقه و... را مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد. نتایج و یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که در بحث انطباق عملکرد دولت احمدی نژاد با سند چشم‌انداز بیست ساله ۱۴۰۴، مواردی قابل انطباق و مواردی با سند مذکور قابل انطباق نمی‌باشند. با این حال موارد انطباق عملکرد را می‌توان شامل: «مواضع مرتبط با فلسطین و لبنان»، «روابط با آمریکای لاتین» و «موضع گیری در قبال بیداری اسلامی» و موارد عدم انطباق نیز شامل: «پرونده هسته‌ای» «روابط با اروپا»، «تقابل با آمریکا»، «روابط با شرق» و «روابط با سازمان‌های بین‌المللی» می‌باشد.

واژگان کلیدی: سیاستگذاری خارجی، سند چشم‌انداز، ارزیابی و تطبیق عملکرد، اصول‌گرایی، محمود احمدی نژاد.

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

۲. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

* نویسنده مسئول: malek.zolqadr@yahoo.com

۳. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

۴. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.



مقدمه

بر اساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تعیین سیاست های کلی نظام از اختیارات مقام رهبری می باشد که پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام آن را تأیید و جهت اجرا به رئیس جمهور و دیگر قوا ابلاغ می کند. در این راستای سند چشم انداز بیست ساله می تواند انسجام لازم در این تکلیف قانونی حاصل نماید. بنابراین سیاست های کلی نظام برای جهت گیری و خط مشی نظام در راه رسیدن به اهداف و آرمان های مورد نظر قانون اساسی است که با الهام از سند چشم انداز تهیه و برای اعمال قانونگذاری و اجرایی به دولت ابلاغ می گردد. سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی، بر اساس مطالعات جامع کارشناسی مجمع تشخیص مصلحت نظام و اصول و جهت گیری های مقام معظم رهبری، در سال ۱۳۸۲ تصویب و به قوای مختلف ابلاغ گردید، و از ابتدای سال ۱۳۸۴ عملاً مبنای قانون گذاری کشور و تصمیمات کلان نظام و سیاست دولت شده است.

ضرورت تدوین چشم انداز برای هر سازمانی از جمله کشورها به این خاطر است که اولین مرحله در تحول هر سازمانی با ترسیم چشم انداز شروع می شود و در آن، سرنوشت آینده سازمان در مقایسه با زمان حال در بلند مدت تبیین می گردد. با تعیین چشم انداز، قابلیت، استعدادها و منابع مادی و انسانی مورد بهره برداری قرار می گیرد تا به صورت جهشی، به آینده ترسیم شده، دست پیدا کنند. پس به طور خلاصه چشم انداز را می توان آرمان قابل دستیابی جامعه در یک زمان بلند مدت قلمداد کرد که متناسب با ارزش ها و آرمان های نظام و مردم تعیین می گردد. از آنجا که ایران در افق ۱۴۰۴ «کشوری توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین الملل» توصیف می شود، سیاست گذاران نظام، این سند را مبنای تنظیم و تدوین سیاست های برنامه های خود قرار داده و افق جهت گیری کلی فعالیت های کشور را در حوزه های مختلف را مشخص نموده اند. اهداف سیاست خارجی کشور در سند چشم انداز، نشانگر لزوم اتخاذ استراتژی تعامل فعال و سازنده با نظام بین المللی

است. سیاست خارجی کشور در افق این چشم انداز، مبتنی بر همکاری و هماهنگی در روابط بین الملل است و ایران همواره تلاش نموده تا دیگر کشورها را نسبت به حسن نیت خود قانع سازد. این نوع سیاست، همان طور که از تنش با نظام بین الملل پرهیز می کند، به معنای وادادگی در مقابل قدرت های بزرگ و پذیرش وضع موجود در نظام بین المللی نیست؛ بلکه با استفاده از قواعد بین الملل و با ایجاد اجماع هدفمند با کشورهای همسو و در راستای منافع و اهداف کشور تنظیم و تدوین می شود. الگوی مذکور به عنوان یکی از ارکان محوری سند چشم انداز و یکی از پایه های اصلی راهبرد بلندمدت در سیاست خارجی کشور برآیند و حلقه اتصال شش رکن راهبردی سیاست خارجی است و راهبرد کلان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در تعامل با نظام بین الملل برای دستیابی به اهداف ترسیمی، رسیدن به تعاملی است که در عین حفظ شاخصه تعامل، برای منافع ایران سازنده و مفید باشد. از این رو به منظور تحقق رویکردی منسجم و توسعه محور در عرصه سیاست خارجی، در نوشتار حاضر تلاش خواهد شد تا به این سؤال پاسخ داده شود که «عملکرد و خط مشی سیاستگذاری خارجی دولت محمود احمدی نژاد در دوره های نهم تا دهم تا چه میزان با اهداف، اصول و مضامین سند چشم انداز بیست ساله همسویی داشته است؟ فرضیه متصوره در این مقاله بر این مبنا است که عملکرد و خط مشی سیاستگذاری خارجی دولت محمود احمدی نژاد در دو دوره نهم و دهم ریاست جمهوری اسلامی ایران، با اهداف، اصول و مضامین سند چشم انداز بیست ساله همسویی کامل نداشته و علیرغم انطباق کلی و غالب در برخی حوزه ها، در مواردی از اهداف و اصول سند چشم انداز فاصله گرفته است. با این رویکرد تلاش می شود تا طی این مقاله به سوال اصلی مقاله پاسخ داده شده و فرضیه مورد اشاره تحت ارزیابی قرار گیرد.

۱. ادبیات تحقیق

۱-۱. مفهوم سیاست گذاری خارجی

دولت ها از طرق مختلفی به تدوین و تنظیم خط مشی ها می پردازند و در واقع بخشی از فعالیتهای دولتها را میتوان در قالب «سیاست گذاری» نامگذاری نمود. به عنوان مثال بودجه



ریزی در دولتها را میتوان خط‌مشی مصرفی، قوانین و آیین نامه‌ها را خط‌مشی‌ای قانونی و موضع‌گیری درباره کشورها و سازمان‌های بین‌المللی را خط‌مشی خارجی به حساب آورد. (Ben-gera, 2009: 7) دانش سیاستگذاری خارجی به معنای دقیق کلمه حتی در متون علمی و دانشگاهی کشور نیز، نوپاست. بررسی و جستجو در منابع علمی نشان میدهد در کشور ما بیشتر از سیاستگذاری درباره تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی سخن گفته شده است تا جایی که به صراحت میتوان مدعی شد «بخش اعظم تحقیقات حوزه سیاست خارجی به بررسی الگوها و مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی اختصاص یافته است» (Soleimani, 2011: 2) و در برخی موارد نیز تفکیک دقیقی میان دو مفهوم تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری ایجاد نشده است، در واقع نوعی خلط مفهومی صورت گرفته است. به عنوان نمونه در خط‌مشی‌گذاری خارجی «فرآیند سیاست خارجی را فرآیند تصمیم‌گیری معرفی می‌کنند» و در بسیاری موارد خط‌مشی و سیاست را در کنار تصمیم و به صورت مترادف به کار می‌برند همانطور که در تعریف ساختار تصمیم‌گیری چنین بیان میشود «ساختار تصمیم‌گیری و سیاستگذاری به معنای سلسله مراتب و جایگاهی است که تصمیم‌گیرندگان و سیاستگذاران و نهادهای تصمیم‌گیرنده و سیاست‌گذار در فرآیند تدوین و اجرای سیاست خارجی رعایت می‌کنند» (Soleimani, 2011: 5). بر اساس آنچه گفته شد و همچنین جایگاهی که تصمیم‌گیری در سیاست خارجی دارد این بیان که «فرآیند سیاست خارجی در واقع فرآیند تصمیم‌گیری است» تأییدی بر این ادعاست که سیاست خارجی از یک منظر همان خط‌مشی خارجی است و تصمیم‌گیری نیز در یک تعبیر مترادف با خط‌مشی در نظر گرفته می‌شود. بنابراین بیان مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ما را به فهم رویه‌های شکل‌گیری خط‌مشی‌ها و سیاست‌های خارجی نزدیک می‌کند.

۲-۱. گفتمان اصول گرایی عدالت محور (دوره نهم و دهم ریاست جمهوری)

گفتمان «اصول گرایی عدالت محور»، با روی کار آمدن دولت نهم، به عنوان گفتمان مسلط این دوره حاکم گردید. تسلط این گفتمان بر سیاست خارجی ج.ا.ا را می‌توان متأثر از عوامل داخلی و بین‌المللی دانست و پیامدهای عملی و رفتاری خاصی را نیز به همراه داشته است. از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری جمهوری اسلامی

ایران در سال ۱۳۵۷، تاکنون، گفتمان‌های مختلفی بر سیاست خارجی کشور حاکم و غالب شده است. هر یک از این گفتمان‌ها بر اساس نظام صدقی حاکم بر جامعه بر کانون‌ها، دقایق و عناصر خاصی ابتناء یافته و مفاهیم محوری و مرکزی سیاست خارجی را در چارچوب نظام معنایی خود بازتعریف کرد؛ این تحولات و تغییرات گفتمانی تنها در حوزه مفاهیم و معانی باقی نماند بلکه رفتارها و کنش‌های سیاست خارجی ایران را نیز دگرگون کرد (Dehghani, 2007:68).

گفتمان ملی‌گرایی لیبرال بر سیاست خارجی دولت موقت حاکمیت داشت. پس از استعفای دولت موقت و برکناری بنی صدر در خرداد ۱۳۶۰، ابرگفتمان اسلام‌گرایی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران حاکم شد که تاکنون نیز استمرار دارد. ولی گفتمان کلان اسلام‌گرایی در طول تقریباً سه دهه گذشته دستخوش دگرگونی و دگردیسی گردیده است. حاصل این تحول درون گفتمانی شکل‌گیری و ظهور پنج خرده گفتمان مختلف از بطن وقتی اسلام‌گرایی بوده است. این خرده گفتمان‌های اسلام‌گرایی عبارتند از: آرمان‌گرایی امت‌محور، مصلحت‌گرایی مرکز‌محور، واقع‌گرایی توسعه‌محور، صلح‌گرایی مردم‌سالار و سرانجام اصول‌گرایی عدالت‌محور. گفتمان‌های آرمان‌گرایی و مصلحت‌گرایی در طول دوره جنگ در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به منزلت هژمونیک نسبی دست یافتند. واقع‌گرایی توسعه‌محور گفتمان غالب دوران سازندگی بود. گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی در دوران اصلاحات صلح‌گرایی مردم‌سالار بود. پس از انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری و انتخاب محمود احمدی نژاد به ریاست جمهوری ایران گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران حاکم گردید. در این گفتمان، موضوع عدالت به شکل مبنایی و به عنوان زیربنای اقدامات اساسی دولت نهم می‌باشد (Akhavan Kazemi, 2009:204). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای اصول عزت، حکمت و مصلحت طراحی شده است. علاوه بر این سه اصل اساسی که از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون توسط همه‌ی دولت‌هایی که روی کار آمدند، در عرصه‌ی روابط خارجی لحاظ گردیده است، تاکید دولت نهم، در تنظیم و جهت‌گیری تعاملات خارجی بر چند اصل اساسی بوده است که برگرفته از گفتمان اصول‌گرایی

عدالت محور می باشند و در ادامه مورد بررسی قرار می گیرند. در این گفتمان با تاکید بر انقلاب اسلامی و ارزش های آن، ولایت و رهبری الهی امام خمینی (ره) عامل توفیق این انقلاب و مایه ی تمدن ساز آن به شمار آمده و با تاکید بر اصولگرایی انقلابی، دال های چهارگانه ی عدالت گستری، مهرورزی، پیشرفت و تعالی مادی و معنوی و خدمت رسانی مورد توجه قرار گرفته است (Akhavan Kazemi, 2009:216).

۳-۱. اهداف و الزامات تحقق چشم انداز در سند چشم انداز در سیاست خارجی

چشم انداز ارائه دهنده ی تصویری مطلوب و آرمانی و قابل دستیابی است که فرا روی نظام حکومتی و جامعه قرار دارد و دارای ویژگی های جامع نگری، آینده نگری، ارزش گرایی واقع گرایی است که متناسب با مبانی ارزشی و آرمان ها تعیین می گردد. سند چشم انداز بیست ساله ی جمهوری اسلامی ایران شامل راهبردهایی است که بستر و جهت دهنده ی تمام تصمیماتی است که کشور را به نقطه ی آرمانی اش نزدیک می کند. (Sajjadpour and Nouriyan, 2009:45) بر اساس این چشم انداز، ج.ا.ا در سال ۱۴۰۴، کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و موثر در روابط بین الملل. تصریح این نکته در سند چشم انداز که رسیدن به این نقطه ی مطلوب، از طریق داشتن تعامل سازنده و مؤثر امکان پذیر است، نقش و جایگاه سیاست خارجی را در راه رسیده به اهداف روشن می سازد (Safavi, 2021:117).

سیاست خارجی کشور در افق این چشم انداز، مبتنی بر همکاری و هماهنگی در روابط بین الملل است و ایران همواره تلاش نموده تا دیگر کشورها را نسبت به حسن نیت خود قانع سازد. این نوع سیاست، همان طور که از تنش با نظام بین الملل پرهیز می کند، به معنای وادادگی در مقابل قدرتهای بزرگ و پذیرش وضع موجود در نظام بین المللی نیست؛ بلکه با استفاده از قواعد بین الملل و با ایجاد اجماع هدفمند با کشورهای همسو و در راستای منافع و اهداف کشور تنظیم و تدوین می شود. (Izadi and Khalafi, 2009:45)

برخی از فرازهای متن سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی عبارتست از:

- با اتکا به قدرت لایزال الهی و در پرتو ایمان و عزم ملی و کوشش برنامه ریزی شده و مدبرانه جمعی و در مسیر تحقق آرمان ها و اصول قانون اساسی، در چشم انداز بیست ساله:

- ایران کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین الملل. جامعه ایرانی در افق این چشم انداز چنین ویژگی هایی خواهد داشت:

- الهام بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم سالاری دینی، توسعه کارآمد، جامعه اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، تأثیرگذار بر هم گرایی اسلامی و منطقه ای براساس تعالیم اسلامی و اندیشه های امام خمینی (ره).

- دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان براساس اصول عزت، حکمت و مصلحت (Akraminia, 2013: 44)

در حوزه سیاست خارجی، شرط اصلی و اساسی رسیدن به اهداف چشم انداز، انتخاب فرآیند مناسب برای اعتلای موقعیت با رویکرد جامع، بلندمدت و راهبردی است. این امر نیازمند درک و تشخیص صحیح اوضاع و شرایط فعلی و آینده جهانی و منطقه ای است. فرصت ها و تهدیدات گوناگون به طور مستمر جمهوری اسلامی ایران را در وضعیت و موقعیت جدید و انتخاب گزینه های جدید قرار می دهد. بهره برداری از فرصت ها و مقابله با تهدیدهای موجود در مسیر اعتلای موقعیت در گرو توجه به الزامات و پیاده سازی دقیق سند توسعه ملی است. ایران منطقه ای به دلیل نقش تمدنی، ایرانی و اسلامی و فرهنگی و اقتصادی و ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک و نقشی که در کل این حوزه های تعامل (آسیای مرکزی و قفقاز، خلیج فارس، شبه قاره و خاورمیانه) دارد، ضرورتی اجتناب ناپذیر برای تشکیل منطقه آسیای جنوب غربی است.

از نظر بعضی از پژوهشگران، برای تحقق اهداف سند چشم انداز ۱۴۰۴، جمهوری اسلامی ایران ناگزیر از انجام این اقدامات شش گانه است:

۱- مدیریت دگرگونی هنجاری، به صورت پویا، منعطف و شبکه ای.

۲- چهره سازی و ایجاد مقبولیت.

۳- اعتماد سازی و قابل پیش بینی بودن.

۴- حساسیت‌زدایی و اقتناع بازیگران اصلی منطقه‌ای و بین‌المللی.

۵- ایفای نقش نمونه‌ساز و شکل‌دهنده منطقه‌ای.

۶- ایجاد دستگاه دیپلماسی حرفه‌ای (Vaezi, 2008:70)

بدیهی است تعامل مثبت و سازنده جمهوری اسلامی ایران در منطقه با محدودیت‌ها و موانع متعددی نیز مواجه است. از یک سو، کشورهای فرامنطقه‌ای که از سال‌ها قبل با بهانه‌های مختلف در منطقه حضور پیدا کرده‌اند، اقدام به بسط حضور و نفوذ خود نموده‌اند و از سوی دیگر، برخی از کشورهای منطقه به دلیل دارا بودن رویکردهای رقابتی و حتی منازعه‌آمیز، تعامل و بسط روابط با ایران را برنمی‌تابند. در رأس قدرت‌های فرامنطقه‌ای، ایالات متحده آمریکاست که علاوه بر آنکه رأسا و مستقیماً در تضاد و تعارض سیاسی با جمهوری اسلامی ایران در منطقه قرار دارد، به دلیل حمایت‌های گسترده از رژیم صهیونیستی، سیاست خارجی ایران را با چالش‌های زیادی مواجه ساخته است (Vaezi, 2008:70)

۴-۱. مدل‌های ارزیابی عملکرد

علی‌رغم توسعه نسبی ادبیات سیاست خارجی ایران، هنوز خلأ یک پژوهش مستقل جهت ارزیابی آن بر اساس معیارهای مهمی هم چون سند چشم‌انداز بیست ساله کشور و سیاست‌های کلی نظام محسوس است. ترسیم چنین چشم‌اندازی برای آینده‌ی کشور، نشان از اهمیت ویژه‌ی آن دارد. (Darbani and Rafiezadeh, 2005:4) چرا که کردار و رفتار سیاست خارجی بستگی به وجود رویه‌ها، پیشینه‌ها و پس زمینه‌های بیناذهنی و عناصر نمادین مشترک دارد (Ashley, 1988:53).

از آن جا که در این پژوهش، معیار ارزیابی سیاست خارجی ایران، سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی نظام است، لذا چهار چوب و مدلی که بایستی به کار گرفته شود، در درجه اول باید توجه ویژه‌ای به اهداف کشورداشته باشد. برای فهم بهتر این موضوع نخست به بررسی برخی مدل‌هایی که جهت ارزیابی عملکرد دولتها و دستگاه‌های اجرایی کاربرد دارند، پرداخته خواهد شد و در نهایت تلاش خواهد شد تا مدلی تلفیقی به عنوان چهار چوب نظری جهت ارزیابی سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای مذکور ارائه شود.

الف- مدل مثلث عملکرد

مدل مثلث عملکرد بر نهادهای سازشی تحول بر اساس سه اصل کارایی، اثربخشی و تحول تکاملی تکیه دارد (Mosakhani, 2009: 147) مفهوم کارایی در رابطه با کارهای درون یک مجموعه صورت می گیرد و چنانچه آن مجموعه با کمترین منابع، بیشترین اهداف را فراهم سازد، یک مجموعه ی کارا محسوب میشود. در رابطه با اثربخشی باید توجه داشت که اثربخشی عبارتست از درجه یا میزان نایل آمدن به اهداف مورد نظر (Alahi, 1999: 57) و نشان از دستیابی به اهداف و برنامه ها با ویژگی کارا بودن فعالیتها و عملیات است (Rahimi, 2006: 36). در رابطه با بعد تحول تکاملی تحقیقات نشان میدهد که بسیاری از سازمان های امروزی در محیط پیچیده و پویا قرار دارند و در چنین محیطی سازمان ها باید یادگیرنده و تحولی باشند و محققین معتقدند که بایستی سازمان های یادگیرنده و تحول آفرین امروزی توسعه یابد. این چارچوب ها باید بیانگر «ظرفیت یادگیری و تحول سازمانی» باشند (forrester, 1987: 138) از مهم ترین نقاط قوت این روش می توان به محدود بودن شاخص ها و توجه به برقراری توازن بین کارایی و اثربخشی و تحول تکاملی و قرار دادن اهداف سازمان در رأس برنامه ها و توجه ویژه به آن و نیز توجه به تغییرات محیطی به عنوان عنصری مهم و اثرگذار بر عملکرد سازمان اشاره نمود و نشان از انعطاف پذیری آن دارد.

ب- الگوی فیشر برای ارزیابی عملکرد

در این الگو، شاخص های ارزیابی عملکرد به سه گروه شاخص های کیفی، نیمه کمی و شاخص های کمی تقسیم بندی شده اند. شاخص های کیفی اساس استدلالی هستند و بر اساس قضاوت های ذهنی و درک شخصی افراد استوار است؛ (مانند فرهنگ سازمانی، رهبری و خصوصیات اخلاقی) در شاخص های نیمه کمی، شاخص های ذهنی جای خود را به شاخص های کمی داده اند و برای قضاوت های کیفی افراد ارزش کمی تعیین می شود. شاخص های کمی، شاخص هایی هستند که می توانند فعالیت های مختلف انجام گرفته در سازمان را به صورت عدد و رقم بیان کنند (Arshadikhamseh, 2007: 147). در این الگو نیز محدود بودن و دسته بندی شاخص های ارزیابی به عنوان یک نقطه ی قوت محسوب می شود، چرا که از سردرگمی در اثر تعدد معیارها و انباشت اطلاعات در



سطح وسیع و بدون کارایی جلوگیری می‌شود. عدم توجه کافی به اهداف سازمان و تغییرات مختلف سیاسی، اقتصادی و غیره در خارج از محیط سازمان از نقاط ضعف این الگوی ارزیابی به حساب می‌آیند.

ج- الگوی کارت امتیاز متوازن

در اواخر دهه ۱۹۸۰، تحول در ارزیابی مدیریت واحدهای کسب و کار منجر به یک نوآوری در مدیریت گشت که به این نوآوری کارت امتیاز متوازن گفته میشود.

(Malakifar and Shalchifar, 2005:61). این روش کاستی‌های سیستم‌های مدیریت سنتی نظیر عدم توانایی در مرتبط ساختن استراتژی‌های بلندمدت با اقدامات کوتاه مدت را آشکار می‌سازد و یک الگو و یا به عبارتی یک چارچوب مفهومی جهت تدوین مجموعه‌ای از شاخص‌های عملکرد در راستای اهداف استراتژیک است (Daneshfard, 2009:59-58) که بر اساس آن در اولین گام آن می‌بایست دیدگاه آتی سازمان مشخص گردد. سپس در راستای دیدگاه‌های حاکم بر سازمان، اهداف استراتژیک تدوین می‌یابند و یا می‌بایست تدوین شده باشند. با عنایت به دیدگاه آتی و اهداف استراتژیک سازمان، عوامل حیاتی موفقیت را مشخص و رابطه علت و معلولی بین این عوامل مشخص می‌گردد. در همین راستا، معیارهای استراتژیک تبیین و در نهایت برنامه اقدام "تدوین می‌گردد" (Behzadian, 2010:69).

۲. روش تحقیق

روش تحقیق این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است و اطلاعات، به روش اسنادی و کتابخانه‌ای با مراجعه به منابع دست اول و ثانویه، گردآوری و تحلیل شده‌اند. در این پژوهش پس از ارائه بحث‌های نظری درباره محتوای سند چشم‌انداز در حوزه سیاست خارجی و تشریح برخی مفاهیم اساسی آن، به مشی سیاستگذاری خارجی دولتهای نهم تا دوازدهم با توجه به رویکردهای گفتمانی آن‌ها پرداخته و در آخر بر مبنای مدل‌های ارزیابی بیان شده (مثلث عملکرد، فیشرو کارت امتیاز متوازن) به ارزیابی و انطباق این سیاستگذاری‌ها را با اصول و مفاد سند چشم‌انداز پرداخته خواهد شد تا پس از حصول نتایج ارزیابی، موارد انطباق و عدم انطباق احصا و تعیین گردد.

۳. الگوی پیشنهادی و چارچوب نظری تحقیق

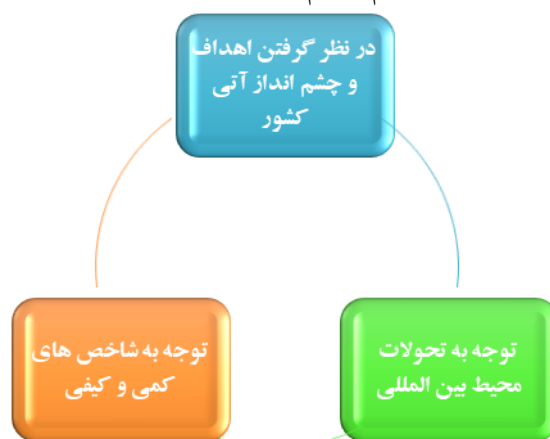
آن چه به عنوان الگوی ارزیابی عملکرد و تحت عنوان چارچوبی برای ارزیابی سیاست خارجی ایران در این پژوهش مورد استفاده قرار خواهد گرفت، تلفیقی از خصوصیات سه الگوی فوق الذکر است، که در آن ارزیابی بر مواردی چند استوار است که هر یک، بخشی از سه مدل فوق است که عبارتند از الگویی که بر اساس آن نخست به این امر توجه شده که سیاست خارجی یک کشور در محیط پیچیده بین‌الملل امروز جلوه‌گر است که این محیط مداوم در حال تغییر است و تغییرات آن بر شرایط داخلی یک کشور نیز موثر است. در این الگو، ارزیابی بر اساس توجه به شاخص‌های کمی و کیفی صورت می‌گیرد و عملکرد دستگاه سیاست خارجی کشور (طی دوره ۸ ساله رؤسای جمهوری)، با توجه به معیارهای کیفی قابل استخراج از کتب، مقالات و مجلات و اسناد و گزارش‌های معتبر وزارت خارجه و نهاد ریاست جمهوری به منظور تبیین جهت‌گیری‌های سیاست خارجی نسبت به مسائل گوناگون و چگونگی واکنش و موضع‌گیری نسبت به آنها و هم‌چنین معیارهای کمی و اعداد و ارقام مرتبط با عملکرد این دستگاه که در روزنامه‌ها و گزارشات صداوسیما و سایر منابع و خبرگزاریها قابل دسترسی هستند...

در این چارچوب، آنچه برای ارزیابی سیاست خارجی حائز اهمیت است، مد نظر قرار دادن اهداف و برنامه‌هایی است که سیاست خارجی کشور در دو دوره مدنظر باید در راستای دستیابی به آنها برنامه‌ریزی و عمل نماید. این اهداف و برنامه‌ها که چشم‌انداز آتی کشور جهت رسیدن به جایگاه مطلوب در منطقه و جهان است، همان سند چشم‌انداز بیست‌ساله‌ی ایران و سیاست‌های کلان نظام جمهوری اسلامی است. تعیین چشم‌انداز ایران در افق ۱۴۰۴ شمسی در این مدل، مانع از برداشت‌های متفاوت در راه ارزیابی عملکرد دستگاه سیاست خارجی است.



نمودار ۱- مدل ارزیابی عملکرد سیاست خارجی دولت احمدی نژاد در دوره

های نهم و دهم



۴. مطالعه، تحلیل و ارزیابی عملکرد

۴-۱- مسئله هسته‌ای

یکی از مهم‌ترین موضوعات سیاست خارجی ایران طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ را می‌توان ایفای نقش در ارتباط با ارتقای قابلیت هسته‌ای دانست. در این باره کشورهای قدرتمند جهان کوشیدند با اتخاذ سیاست‌ها و روش‌هایی در راستای کاهش توانمندی هسته‌ای ایران گام بردارند. از آن جا که بازیگران موثر و قدرتمند بین‌المللی قادرند تا از طریق توافق و همکاری راهبردی، با بازیگران دیگر مقابله نمایند، به هر میزان که توانمندی فنی و ابزاری ایران افزایش می‌یافت، فشارهای سازمان یافته‌ی بین‌المللی نیز از سوی آنان شدت می‌گرفت؛ اما از آنجا که الگوی رفتاری حاکم بر سیاست خارجی این دوره در حوزه‌ی مسائل هسته‌ای، مبتنی بر انطباق تهاجمی بود که بر اساس آن محیط باید در راستای خواست بازیگر تغییر کند، این الگو بیشتر از آن که تابع قدرت و امکانات ایران و شرایط بین‌المللی باشد، تابعی از تصمیم‌گیری‌های شخصی و نه چندان سنجیده بود (Falahi, 2007:55).

دیپلماسی تهاجمی دولت نهم ضمن ارجاع پرونده‌ی هسته‌ای ایران به شورای امنیت سبب شد قدرت‌های بزرگ تعلیق را که قبلاً امری داوطلبانه از سوی ایران اعلام شده

بود، الزامی کنند به این ترتیب پس از پایان جنگ تحمیلی شاهد قطعنامه‌های شورای امنیت علیه جمهوری اسلامی ایران هستیم که همگی بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ و در رابطه با پرونده ی هسته ای ایران است (Falahi, 2007:78).

حوزه ی مذاکرات دولت نهم در ارتباط با مسئله ی انرژی هسته ای در حالی توسط تیم شورای عالی امنیت ملی کشور پیگیری می شد که آقای احمدی نژاد بارها با تاکید بر توان مقاومت و ایستادگی ملت ایران، تحریم ها را کاغذ پاره دانست. اما بر خلاف این رویکرد، اتخاذ رفتارهای متناقض از سوی مقامات اجرایی کشور و در پیش گرفتن رویه ی تهاجمی با کشورهای دنیا، به انزوای بیشتر ایران در جهان منجر شد.

پیش از اینکه به بررسی قطعنامه‌های شورای امنیت در خصوص پرونده هسته‌ای ایران بپردازیم، لازم است که به این اشاره شود که بر اساس اساسنامه ی آژانس، دو مبنا جهت ارتباط با شورای امنیت وجود دارد: اولاً نسبت به وجود موضوعات مرتبط با صلح و امنیت بین المللی، که آژانس می بایست مراتب را به شورای امنیت متذکر شود. ثانیاً گزارش عدم پایبندی نسبت به پادمان و ثالثاً گزارش عدم توانایی راست آزمایی (Musazadeh, 2021:435-437). پس از ارجاع موضوع هسته‌ای ایران توسط شورای حکام به شورای امنیت، در اولین گام ریاست شورای امنیت در ۹ فروردین ۱۳۸۵ (۲۹ مارس ۲۰۰۶) طی بیانیه ای موضع شورای امنیت را در این خصوص اعلام نمود. در این بیانیه علی رغم تاکید بر حق دولت‌های عضو معاهده منع گسترش مبنی بر استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای در جهت مصارف صلح جویانه، شورای امنیت با اظهار نگرانی جدی در خصوص گزارشها و قطعنامه‌های آژانس بین المللی انرژی اتمی در ارتباط با برنامه ی هسته‌ای ایران، از کشورمان تقاضا نمود که اقدامات درخواست شورای حکام آژانس به ویژه تعلیق کامل و پایدار کلیه فعالیت‌های غنی سازی و باز فراوری را انجام دهد. این بیانیه در قالب دستور کار عدم اشاعه صادر شد. این مسئله موجب گردید که شورا در پرداختن به پرونده ایران بیشتر ملاحظات نظام عدم اشاعه را در نظر داشته باشد (Tavakolipour, 2019:235). در مورد آثار حقوقی بیانیه‌های شورای امنیت باید اظهار داشت که هرچند در چارچوب ماده ۲۵ منشور ملل متحد قرار نمی گیرد و در نتیجه الزام حقوقی ندارد، لیکن می تواند زمینه ساز تصمیمات بعدی و شدید تر گردد و حتی



در بر دارنده نوعی الزام معنوی است. به طوری که پس از نپذیرفتن این بیانیه از سوی ایران، شورای امنیت قطعنامه ۱۶۹۶ را علیه کشورمان صادر کرد. احمدی نژاد که در ۴ آذر ۸۷ اظهارنظر مشهور خود را در خوزستان بیان کرده و گفته بود: «وقتی کشورهای غربی شاهد رشد و پیشرفت ایران بودند هر روز یک قطعنامه تهیه کردند و در شورای امنیت علیه ما صادر کردند. من امروز به آنها می‌گویم آنقدر قطعنامه بدهید تا قطعنامه‌دان شما پاره شود». توجهی اساسی به آثار اعمال تحریم‌ها نداشت به گونه‌ای که از زمانی که پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع داده شد، ابتدا با بیانیه رئیس شورا مواجه شده و سپس قطعنامه در خصوص پرونده هسته‌ای ایران از سوی شورا صادر گردید. پس از قطعنامه ۱۶۹۶ قطعنامه‌های ۱۷۳۷ (۲۳ دسامبر ۲۰۰۶)، قطعنامه ۱۷۴۷ (۲۴ مارس ۲۰۰۷)، قطعنامه ۱۸۰۳ (۳ مارس ۲۰۰۸)، قطعنامه ۱۸۳۵ (۲۷ دسامبر ۲۰۰۸) و نهایتاً قطعنامه مشهور ۱۹۲۹، شورای امنیت سازمان ملل روز چهارشنبه ۹ ژوئن ۲۰۱۰ (۱۹ خرداد) قطعنامه ۱۹۲۹ را علیه ایران صادر کرد که بر اساس آن تحریم‌ها علیه ایران فراگیرتر و شدیدتر شد. به نوعی که می‌توان تحریم‌های مندرج در این قطعنامه درباره ایران را تا آن زمان بی‌سابقه ارزیابی نمود. این قطعنامه با ۱۲ رأی موافق، ۱ خودداری از شرکت در رأی‌گیری (لبنان) و ۲ رأی مخالف (برزیل و ترکیه) در جلسه‌ای به ریاست مکزیک تصویب شد.

به هر ترتیب برخلاف سند چشم انداز بیست ساله، دیدگاه دولت نهم و دهم پیرامون مسئله هسته‌ای کشور، حاکی از رویکرد تهاجمی بود که بر اساس آن محیط بین‌المللی باید در جهت خواست یک بازیگر تغییر کند. این امر مغایر با اصل تعاملات موثر و سازنده بین‌المللی که در سند چشم انداز بدان اشاره شده بود، می‌باشد. اتخاذ این رویکرد، همراه با رفتارهای هیجانی و سخنان نسنجیده، موجب تنش آمیز شدن روابط و کاهش بهره‌گیری از تعاملات برای افزایش توان ملی و کاهش همکاری‌های بین‌المللی سازنده، با سایر بازیگران نظام بین‌المللی که در برنامه چهارم توسعه مورد تأکید قرار گرفته بود، گردید (Falahi, 2017:55). طی این دوران پیشرفت‌های هسته‌ای نیازمند اعتمادسازی در سیاست خارجی بود که متأسفانه مسئولان سیاست خارجی دولت‌های

نهم و دهم به این اصل اساسی بی توجهی نمودند و در نهایت به انزوای هرچه بیشتر کشور منجر شد.

۲-۴- رویکرد نگاه به شرق

از ربع آخر قرن بیستم تا کنون، جهان شاهد پیشرفت چشمگیر منطقه‌ی شرق و جنوب شرق آسیا بوده است. دگرگونی سریع چهره‌ی آسیا و جایگاه این قاره و کشورهای مهم آن هم چون چین، ژاپن، کره‌ی جنوبی، هند و مالزی را در صحنه‌ی بین‌المللی ارتقا بخشید (Adami, 2010: 108). روسیه، چین و هند هرکدام طی سال‌های اخیر روند قدرت‌گیری و ارتقای جایگاه را با سرعت چشم‌گیری پیموده اند. هم‌سو کردن منافع اقتصادی و سیاسی کشور، از طریق تطابق دوستان سیاسی و طرف قراردادهای اقتصادی، مبنای اصلی این رویکرد بوده و تهدیدات غرب در مورد پرونده‌ی هسته‌ای ایران نیز شکل‌گیری این رویکرد را تسریع نموده است. این سیاست به دنبال تقویت همکاری‌های منطقه ایست که بر مبنای منافع اقتصادی شکل می‌گیرد؛ چرا که همکاری‌های صرف سیاسی و امنیتی نمی‌تواند تضمین‌کننده‌ی آینده‌ی همکاری باشد (Adami, 2010: 109).

البته باید توجه داشت که دولت نهم و دهم معتقد بود که آن چه به عنوان استراتژی نگاه به شرق از آن یاد کرده است، به معنای نادیده گرفتن غرب نیست، بلکه به معنای برقراری توازن بین شرق و غرب است. در حالی که آن چه در عمل مشاهده شد، حکایت از این توازن ندارد. برخی از صاحب نظران، با نقد سیاست نگاه به شرق دولت در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲، آن را رویکردی مناسب نمی‌دانند، زیرا کشورهایی هم چون چین، روسیه و هند به هیچ وجه مایل به رویارویی با امریکا نیستند و حتی روسیه که در سیاست نگاه به شرق توجه خاصی به آن شده است، منافع خود را کاملاً در ضدیت با امریکا تعریف نمی‌کند. در حوزه‌های غیر استراتژیک به ویژه اقتصادی، مزیت ویژه‌ی ایران در حوزه‌ی انرژی، می‌تواند محرک و عامل خوبی برای کشورهای آسیایی که نیاز به انرژی دارند باشد و در مقابل، با تامین انرژی کشورهای بزرگی نظیر چین و هند و روسیه، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند نیاز خود را برای سرمایه‌گذاری حوزه های نفت و گاز فراهم سازد (SaqafiAmeri and Vahedi, 2008: 65-72) در خصوص اهداف سیاست خارجی دولت نهم و دهم، در بسط روابط خود با کشورهای شرقی



خصوصاً چین، روسیه و هند، نظرات مختلفی ارائه شده است. در حوزه‌ی استراتژیک دو هدف عمده برای سیاست خارجی ایران طی دوره‌ی چهار ساله‌ی دولت احمدی نژاد در نظر گرفته شده است: نخست، عینیت بخشی به ائتلاف سازی در جهت تقابل با نظام تک قطبی که از این منظر، ایران در تلاش است با بهره گیری از تمایل کشورهای چین و روسیه به ایجاد موازنه در نظام بین الملل بهره گیرد و دوم، تلاش برای یافتن متحدان استراتژیک جهت حل معضلات امنیتی خود. از این منظر، ایران می کوشد مشکلات خود از جمله طرح پرونده ی هسته ای در شورای امنیت، تهدیدات نظامی امریکا را با بهره گیری از قدرت و توان کشورهای آسیایی و با رویکردی شرقی مرتفع سازد (Noori, 2010:37) در ادامه اشاره‌ای مختصر به سه کشور چین، روسیه و هند خواهیم داشت.

در رویکرد نگاه به شرق سیاست خارجی ایران طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲، چین به عنوان یکی از اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد، از جایگاه خاصی برخوردار استاز مهم ترین دلایل بسط روابط با چین می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- استراتژی بین المللی امریکا بعد از ۱۱ سپتامبر و مخالفت چین با یکجانبه گرایی امریکا
- حضور نظامی آمریکا و ناتو در آسیای مرکزی و خاورمیانه
- فعالیت های اسلام گرایان تندرو و جدایی طلب در مناطق شرقی و شمال شرقی
- نیاز فزاینده ی چین به انرژی (Qahrapour, 2008:337) با پایان جنگ تحمیلی و آغاز دوران سازندگی و نیز تداوم سیاست‌های درهای باز اقتصادی از سوی دولت چین، روابط دو کشور وارد مرحله‌ی جدیدی شد و ایران یک رکن مهم امنیت چین است. روند روابط اقتصادی ایران با چین در سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸، به طور متوسط بین ۳۰ تا ۵۰ درصد رشد داشته است، به طوری که در سال ۲۰۰۹ به حدود ۲۳ میلیارد دلار رسید (Qahrapour, 2008:291). تهران در سال ۲۰۰۵ سومین عرضه کننده ی بزرگ نفت به پکن بوده و حدود ۱۴ درصد واردات نفت این کشور را تامین می کرد. با برقراری تحریم غرب علیه

ایران فرصت مناسبی برای شرکت های چینی جهت سرمایه گذاری در ایران فراهم شد. در سال ۲۰۰۶ تهران و پکن قراردادی به ارزش ۸/۲ میلیارد دلار برای توسعه ی پالایشگاهی در اراک منعقد کردند و نیز شرکت ملی نفت ساحلی چین در همان سال قراردادی به ارزش ۶ میلیارد دلار برای توسعه ی میدان گازی پارس جنوبی و ساخت تاسیسات مایع گازی طبیعی با ایران امضا کرد هم چنین پس از سه سال مذاکره قرارداد توسعه ی میدان نفتی یاداوران با شرکت چینی ساینوپکبه ارزش دو میلیارد دلار در آذر ۸۶ به امضا رسید (Farzinnia, 2008: 412-414). گرچه روابط ایران و چین در حوزه های انرژی و تجارت در دوره ی چهارساله ی دولت نهم افزایش یافت اما به دلیل فاصله گیری چین از سیاست های ایدئولوژیک و گرایش به عملگرایی بر مبنای حداکثرسازی سود اقتصادی این کشور، متحدی استراتژیک برای ایران در خصوص پرونده ی هسته ای نبود (Qahrampour, 2008: 291). مواضع چین در قبال قطعنامه های صادر شده علیه ایران نشان می دهد که این کشور کاملاً از مواضع هسته ای ایران دفاع نمی کند. ایران با توجه به حضور این کشور در شورای امنیت سازمان ملل و دارا بودن حق وتو و قدرت نفوذ این کشور در سطح دنیا و در مسائل دیپلماتیک رقابت دیرینه این کشور با آمریکا برای این کشور اهمیت زیادی قائل بوده است.

روسیه، دیگر کشور مهم آسیا و دارای کرسی دائم در شورای امنیت است که روابط با آن نیز در دولت نهم و دهم گسترش یافت. این کشور همانند چین مخالف یکجانبه گرایی آمریکاست و از گسترش نفوذ این کشور به همراه ناتو به حوزه ی سنتی نفوذ خود در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز نگران است. مخالفت ایران با هژمونی طلبی آمریکا در نظام بین الملل، حمایت ایران از سیاست های روسیه یا حداقل عدم مخالفت با سیاست های آن در منطقه ی آسیای مرکزی و قفقاز، تعامل در خصوص نظام حقوقی دریای خزر و همکاری هسته ای و (Nouri, 2010: 39) در دوره ی دولت نهم و دهم، توسعه ی همکاری های همه جانبه با روسیه به عنوان نمونه ای از موقعیت دستگاه دیپلماسی کشور قابل توجه بوده است. روابط دو کشور در همه ی زمینه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و



دفاعی از رشد قابل توجهی برخوردار بوده است. یکی از زمینه های مهم همکاری دو کشور در این دوره، در حوزه ی هسته ای است و این کشور تنها شریک هسته ای ایران می باشد. روسیه در سال ۱۳۷۳ تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر را بر عهده گرفت که راه اندازی آن را به دلیل فشارهای سیاسی غرب به تاخیر افتاد. تاخیر مسکو در راه اندازی نیروگاه یکی از موانع مهم توسعه ی روابط دو کشور تبدیل شد و طرف ایرانی را نسبت به روسیه بدبین و تحت فشار افکار عمومی قرار داد. (Karami, 2010: 117) بالاخره این کشور در بهمن سال ۱۳۸۶ حمل سوخت هسته ای به نیروگاه بوشهر را نهایی نمود (Gharibabadi, 2008: 54). علاوه بر ادامه ی مراحل تکمیل نیروگاه بوشهر و تحویل سوخت که نیازمند تلاش های مداوم بوده است، دو کشور تلاش های زیادی را برای گسترش روابط فی مابین به عمل آوردند. سفر ولادیمیر پوتین به عنوان رئیس جمهور روسیه به ایران در سال ۱۳۸۶، که برای نخستین بار صورت گرفت، یک سفر تاریخی بود که در جریان برگزاری اجلاس سران خزر بسیاری از زمین های همکاری دوجانبه مورد بررسی قرار گرفت. از سویی میتوان آن چه را که اتفاق افتاد نتیجه ی تاکتیک روسیه برای حل مشکلات خود دانست؛ چرا که با صدور قطعنامه ی سوم که رای قاطع روسیه را نیز به همراه داشت باورهایی که دیدگاه خوشبینانه ای نسبت به سفر ریاست جمهوری روسیه به ایران داشتند را دچار شکست نمود (Aminzadeh, 2007: 150). از سوی دیگر، باید یادآور شد که در جریان این دیدار، روسای جمهور دو کشور خواستار گسترش همکاری ها در بخش نفت و گاز، انرژی هسته ای، امور پالایشگاهی، هواپیما سازی، امور بانکی و حمل و نقل شدند. هم چنین دو طرف در چارچوب NPT پایان کار نیروگاه بوشهر را مطابق با جدول زمانی تعیین شده پذیرفتند (Karami, 2010: 119).

با وجود همکاری های بین دو کشور، اختلافات مهمی نیز در روابط ایران و روسیه در دولت نهم وجود داشته است که از جمله ی آن ها می توان به مانع تراشی روس ها برای عضویت رسمی ایران در سازمان همکاری شانگهای و تاخیر بیش از اندازه ی روس ها در راه اندازی نیروگاه بوشهر و لغو قرار داد فروش موشک های اس ۳۰۰ اشاره کرد (Karami, 2010: 120). در خصوص روابط با هندوستان نیز روابط دو کشور سابقه ای هزاران ساله دارد و علاوه بر اشتراکات فرهنگی و تاریخی، تجار ایران و هند نقش مهمی

در تقویت روابط دو کشور ایفا کرده‌اند. سفر رئیس جمهوری ایران به هند در سال ۱۳۸۷ با توجه به اینکه برخی سیاستمداران هندی معتقد بودند که روابط صمیمانه با ایران در طول اعصار برای ثبات و امنیت منطقه اهمیت حیاتی دارد، یک اقدام مثبت در راه گسترش و بهبود روابط بین دو کشور محسوب می‌شد (Farzinnia, 2008: 409). البته هند نه فقط بر پایه ی توافقات مربوط به انرژی، بلکه به خاطر گسترش حضور خود در منطقه ی خاورمیانه و ارتباط بیشتر با کشورهای آسیای مرکزی، روابط گسترده‌ای را با تهران دنبال کرد (Sadeqi and Shafiei, 2010: 328). با وجود این امر، هند در سپتامبر ۲۰۰۵ (شهریور ۱۳۸۴)، تحت فشار آمریکا در حمایت از قطعنامه‌ی پیشنهادی سه کشور اروپایی علیه برنامه‌ی هسته‌ای ایران رای داد و بار دیگر رای خود را در اوایل سال ۲۰۰۶ در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تکرار نمود و راه را برای ارجاع پرونده ی هسته‌ای ایران به شورای امنیت هموار ساخت.

در نهایت رویکرد نگاه به شرق اگر چه تلاشی برای تقویت روابط سازنده با کشورهای غیر متخاصم که در سیاست‌های کلی نظام به آن اشاره شد است، بود اما نتوانست اهدافی همچون افزایش توان ملی کشور، بهره‌گیری از روابط برای بهبود شرایط اقتصادی و مقابله با نفوذ آمریکا و ایجاد تعاملاتی موثر و سازنده برای دستگاه سیاست خارجی کشور به همراه داشته باشد.

۳-۴- تقابل با آمریکا

در خصوص تقابل با آمریکا، تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران یکی از ابزارهای دیپلماسی اجبار ایالات متحده آمریکا برای متقاعدکردن و محدودسازی توان راهبردی جمهوری اسلامی ایران بود (Berman, 2012: 42). بنابراین دولت نهم، یکی دیگر از اولویت های سیاست خارجی خود را مقابله با ترفندهای نظام سلطه ی جهانی تعیین و جهت گیری و رویکرد جدیدی مبتنی بر تقابل با غرب و مبارزه با انحصار قدرت در سطح جهانی در قبال امریکا اتخاذ نمود. دولت احمدی نژاد همزمان با جمهوری خواهان و سپس با دموکرات ها روبرو بوده است. در دوره ی جمهوریخواهان، امریکا خواهان گسترش هژمونی خود و اصرار بر حضور نظامی مستقیم داشت، ولی در دوره دموکرات ها آنها معنای هژمون را به رهبری بر چند جانبه گرایی راهبردی تغییر



دادند. بدیهی است که دموکرات ها معنای حضور را در تغییر تاکتیکی و تاکید بیشتر بر قدرت امنیتی سخت افزاری باز تعریف نمودند. سیاست خارجی ایران در این دوره را می توان نماد تغییر پذیری نسبت به دوره های گذشته دانست. این تغییرات بیشتر در قالب دگرگونی گفتمانی مورد توجه قرار می گیرند. در این دوره مهم ترین و حساس ترین موضوع در روابط ایران و ایالات متحده ی امریکا را بحث مسئله ی هسته ای ایران تشکیل می داد. در آوریل ۲۰۰۶، کاندولیزا رایس، وزیر امور خارجه ی وقت امریکا، اظهار داشت که شورای امنیت باید به منظور توقف پیشرفت هسته ای ایران، گام های مهمی بردارد (Ghanbarloo, 2008: 836).

زمینه های تغییر در سیاست خارجی و الگوهای رفتاری امریکا نسبت به ایران از اوایل سال ۲۰۰۷ آغاز شد. این امر زمانی شکل گرفت که از یک سو گروه های افراطی و محافظه کاران جدید در سیاست خارجی امریکا موقعیت خود را از دست دادند و از سوی دیگر افراد جدیدی از جایگاه موثرتری در تصمیم گیری های امنیتی برخوردار شدند که دارای رویکرد معطوف به موازنه گرایی منطقه ای و بین المللی بودند.

امریکا در سال ۲۰۰۶ طی گزارش خود ایران را در راس حامیان تروریسم جای داده بود و مدعی شده بود بخشی از ترور امریکاییان در عراق تحت حمایت و هدایت ایران انجام می شود. این گزارش در ادامه منجر به تحریم فروش تسلیحات ایران در کشورهای دیگر به اتهام حمایت تسلیحاتی تروریست های جهان طی قطعنامه ی دوم شورای امنیت علیه ایران شد. امریکا با حمله به کنسولگری ایران در اربیل و دستگیر کردن ماموران ایرانی آنان را به حضور غیرقانونی و مشکوک در عراق متهم کرد. مذاکرات بدون هرگونه تعهدی برای آزاد شدن ماموران زندانی ایرانی آغاز و این روال، تا ماه ها بعد نیز ادامه یافت.

در مجموع افزایش تنش ها در روابط ایران و آمریکا طی این دوره، اگرچه می تواند به عنوان اقدامی در جهت مبارزه با تک قطبی شدن نظام بین المللی که در برنامه چهارم توسعه بدان اشاره شده بود به حساب آید، اما در نهایت این برخوردها موجب خصومت آمیز شدن بیش از پیش روابط دو کشور و کاهش سطح روابط ایران با کشورهای مطرح

بین‌المللی شد که لطامات اقتصادی فراوانی را به کشور تحمیل نمود و مانع از بین بردن نقش ایالات متحده در منطقه به عنوان قدرتی بیگانه در حوزه خلیج فارس گردید.

۴-۴. روابط با اروپا

با روی کار آمدن دولت نهم در سال ۱۳۸۴ روند روابط ایران و اتحادیه‌ی اروپا وارد مرحله جدیدی شد. علاوه بر مسئله‌ی هسته‌ای، نفی هولوکاست توسط احمدی نژاد، شوک شدیدی به روابط ایران و اتحادیه‌ی اروپا وارد نمود. اما آن چه بیشترین تاثیر گذاری را بر روابط ایران و اروپا داشت، پرونده‌ی هسته‌ای ایران بود. دولت نهم پس از روی کار آمدن، تیم مذاکره‌ی هسته‌ای را تغییر داد و با ورود علی لاریجانی به عنوان مسئول پرونده‌ی هسته‌ای، اعلام گردید که جمهوری اسلامی ایران سیاست‌های فعال تری را در این خصوص دنبال خواهد کرد. نخستین اقدام تیم جدید، مخالفت با بسته‌ی مشوق‌های اقتصادی و سیاسی اتحادیه‌ی اروپا در قبال تعلیق فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم بود. هم‌چنین اعلام شد که ایران با جدیت تمام فعالیت‌های هسته‌ای را مجدداً آغاز می‌کند (Abbasi Ashlaghi, 2009: 261).

اگر پیش از دولت نهم، کشورهای تاثیرگذار اتحادیه اروپا در بالاترین سطح در خصوص پرونده هسته‌ای وارد مذاکره شده بودند و اقدامات دیپلماتیک در سطح قابل قبولی بود، در دولت نهم شاهد کاهش شدید روابط دیپلماتیک و چه بسا شاهد رودررویی در عرصه دیپلماسی نیز بودیم که تصویب تحریم‌های شدید اقتصادی یکی از نشانه‌های این رودررویی اروپا با ایران بود. دولت نهم با وجود بن بست‌هایی که در روابط و مناسبات ایران با کشورهای غربی حاکم شد، ترجیح داد تا در مواجهه با چالشی بزرگ، مرکز ثقل دیپلماسی خود را از اروپا که برای کشور ما طی سال‌های اخیر بیشترین پتانسیل دیپلماسی را شکل داده بود، به خاورمیانه انتقال دهد. در گذشته بیش از دوسوم همکاری‌های ایران با کشورهای اتحادیه‌ی اروپا بر دو یا سه کشور اروپایی متمرکز بود که دستگاه دیپلماسی کشور تلاش‌های زیادی را برای متعادل‌سازی این روابط در سطح قاره‌ی اروپا به عمل آورد. فراز و نشیب‌های موجود به خاطر پرونده‌ی هسته‌ای و اعمال فشار آمریکا و همپایانش سبب شد تا مراودات ایران و اروپا نسبت به گذشته به سطوح پایین تری نزول کند، در این دوره‌ی زمانی به جز سفر احمدی نژاد



برای شرکت در اجلاس فائو در رم و حضور وی به عنوان رئیس جمهوری میهمان در اجلاس ضد نژاد پرستی در ژنو، شاهد سفرهای مهم در حد مقامات عالی رتبه ی ایران و کشورهای اروپایی نبوده ایم.

در این راستا باید توجه داشت که بازیگران بین‌المللی بر اساس هویت خود به دنبال منافع هستند و هویت و منافع در قالب جمع معنا می‌یابد. هدف رویکرد سازه‌گرایی افزایش وابستگی متقابل، احترام به ارزش‌ها و هنجارهای داخلی ضمن ارزش نهادن متقابل به هنجارهای جهانی است که موجب می‌شود دولتها یکدیگر را به رسمیت بشناسند و به همین دلیل روابط میان دولتها کمتر منازعه آمیز می‌شود. در واقع، سازه‌گرایان به چگونگی شکل‌گیری هویت و منافع بازیگران توجه دارند و معتقدند که هویت دولتها تحت تأثیر هنجارهای داخلی و خارجی شکل می‌گیرد و هویت به منافع دولتها شکل می‌دهد (Guzzini, 2000: 153).

سفر احمدی نژاد به ایتالیا با حاشیه‌هایی همراه بود که دلیل اصلی سفر وی که حضور در اجلاس جهانی فائو بود، در آن گم شد. وی قصد دیدار با برلوسکونی و پاپ بندیک شانزدهم را داشت که البته هیچ یک از این دو دیدار صورت نگرفت و وی تنها توانست با رهبر نئونازی ایتالیا دیدار کند. احمدی نژاد در اجلاس فائو به ارائه ی برنامه ی خود برای حل همه‌ی مشکلات کمبود آذوقه و خواروبار در جهان پرداخت. وی در یک کنفرانس مطبوعاتی در رم، از فروپاشی قریب الوقوع موجودیت صهیونیستی خبر داد که با واکنش مقامات ایتالیایی رو به رو شد...

اتحادیه اروپا برخلاف گذشته که از همراهی با آمریکا در اعمال تحریم‌های یکجانبه ی علیه ایران خودداری می‌نمود، در دوره ی چهارساله ی دولت نهم تبدیل به طرفدار تشدید این تحریم‌ها در سازمان ملل علیه کشورمان شد و نیز اولین اتحادیه ای بود که در صدد اعمال تحریم‌های فراتر از تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران برآمد. چنانچه بخواهیم این مسائل را با بیان این موضوع که آمریکا و اتحادیه ی اروپا از ابتدا با ج.ا.ا. مشکل داشته اند توجیه کنیم، باید توجه داشت که نگاهی به سیاست خارجی دولت نهم در دیگر سطوح بین‌المللی نیز نشان می‌دهد که مشکل سیاست خارجی ایران فقط محدود به اروپا و آمریکا نبوده است. مقامات اروپایی علاوه بر مسئله‌ی هسته ای ایران،

مسائل مربوط به حقوق بشر، وضعیت داخلی ایران و مسئله ی صلح اعراب و اسرائیل را از جمله موانع گسترش روابط ایران و اروپا می دانند (Abdokhodai, 2010: 534). با این حال ضعف تعاملات دولت های نهم و دهم با اروپا، برخلاف اهداف سند چشم انداز مبنی بر تعامل سازنده و موثر با جهان و نیز برنامه های سیاست خارجی مندرج در سیاست های کلی نظام بود. همچنین در این دوره مبادلات با کشورهای اروپایی از نظر سیاسی و اقتصادی کاهش پیدا کرده و موجب شد تا ایران نتواند گام های موثری را به منظور بهره گیری از روابط خارجی برای بهبود و تقویت اقتصاد کشور بردارد.

۴-۵. روابط با آمریکای لاتین

اگرچه آغاز تحول و توسعه ی روابط ایران با کشورهای آمریکای لاتین را باید از زمان روی کار آمدن هوگو چاوز در ونزوئلا در سال ۱۹۹۸ و در زمان ریاست جمهوری آقای خاتمی در ایران دانست، اما اوج این پویایی و گسترش روابط را باید در دوران دولت نهم جستجو کرد که علت آن از یک سو گسترش موج چپ در آمریکای لاتین و نیز روی کار آمدن محمود احمدی نژاد در ایران باز می گردد که با اتخاذ رویکردی آرمان گرایانه و مواضع سرسختانه در قبال نظم حاکم بر ساختار نظام بین الملل و انتقاد شدید و واکنش به سیاست های تند امریکا، باعث نزدیکی دو طرف گردید (Kozegar-Kaleji, 2008: 14). ایران تا پیش از روی کار آمدن دولت نهم، در چهار کشور آمریکای لاتین دارای سفارتخانه بود، اما از سال ۱۳۸۴ ایران تلاش نمود تا بتواند در شش کشور دیگر این منطقه سفارت خانه داشته باشد. در رابطه با افزایش تعاملات کشور با آمریکای لاتین باید به نگاه متفاوتی که در سیاست خارجی دولت نهم حاکم گشت توجه نمود. این نگاه، قائل به تقسیم دنیا به دو جبهه ی ظالمان و مستکبران از یک سو و جبهه ی مظلومان و استثمار شدگان از سوی دیگر بود و راه حل برون رفت از وضعیت ناعادلانه ی حاکم بر ساختار نظام بین الملل را ائتلاف و اتحادسازی با محوریت اصلی کشورهای جهان سوم در مقابل جبهه ی ظلم بین المللی می دانند.

به وضوح مشاهده می شود که در این دوره ی زمانی، بسیاری از مولفه های سیاست خارجی منطقه ی آمریکای لاتین با مولفه های سیاست خارجی ایران مطابقت دارد از این رو احساس هماهنگی طرفین سبب گردید که ج.ا.ا در صدد توسعه ی روابط با کشورهای



منطقه‌ی آمریکای لاتین باشد. تعدادی از کشورهای این منطقه نیز جزو کشورهای دوست و هم پیمان و تعدادی نیز از رده‌ی کشورهای متخاصم به رده‌ی کشورهای غیر متخاصم نسبت به ایران تغییر کند. با چرخش نگاه به آمریکای لاتین در دولت نهم، حجم مبادلات تجاری ایران با کشورهای منطقه نسبت به گذشته بیش از دو برابر رشد نمود. به طور کلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران طی این دوره، از برقراری روابط با آمریکای لاتین اهدافی را دنبال می نمود که مهم ترین آن ها عبارتند از:

- توسعه‌ی روابط با آمریکای لاتین به منظور اتخاذ مواضع مشترک با آمریکای لاتین در خصوص مسائل مهم بین المللی
- توسعه‌ی روابط سیاسی به منظور فراهم سازی زمینه‌ی گسترش روابط در سایر زمینه‌ها
- استفاده از پتانسیل‌های سیاسی منطقه برای کسب حمایت در مجامع بین المللی و بهره برداری از قدرت مجموعه‌ای و انفرادی کشورهای منطقه برای حل مسائل بین المللی ایران مانند پرونده‌ای هسته‌ای
- تقویت روابط سیاسی با پیمان‌های سیاسی منطقه‌ای به منظور استفاده از لابی منطقه‌ای در سطح بین المللی و روابط دو جانبه

۴-۶. موضع گیری در قبال فلسطین و لبنان

با توجه به دیدگاه‌های مقام معظم رهبری و سند چشم انداز بیست ساله توسعه یکی از اولویت‌های سیاست خارجی دولت نهم حمایت از ملت فلسطین بوده است. احمدی نژاد معتقد بود تاسیس رژیم اشغالگر قدس حرکتی سنگین از جانب نظام سلطه و استکبار علیه دنیای اسلام است. صد سال قبل آخرین سنگرهای جهان اسلام فرو ریخت و دنیای استکبار رژیم اشغالگر قدس را به عنوان سرپل نظام سلطه در قلب دنیای اسلام بر پا کرد. موضع گیری دولت نهم در قبال این مسئله را می توان در قالب گفتمان عدالت مبارزه" تشریح نمود که در آن سوژه‌ها ارزش خود را بر اساس عمل به یکی از قطب های عدالت جویی همراه با مبارزه در یک سو، و تسلیم در برابر بی عدالتی یا ایجاد بی عدالتی در سوی دیگر دریافت می کنند (Moshirzadeh and Mesabab, 2011: 261-262).

لبنان نیز به دلیل جایگاه و موقعیت استراتژیکی و همجواری اش با رژیم صهیونیستی و به عنوان پل ارتباطی فرهنگی سیاسی خاورمیانه و غرب، جایگاه ویژه ای در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دارد. رابطه ی میان حزب الله و ایران، از هنگام تلاش حزب برای استفاده از این تجربه ی نوین در منطقه و یافتن متحدی در رویارویی با اشغالگران شکل گرفت و این رابطه با سرعت و اطمینان رشد کرد و ابعاد گسترده ای یافت (Shafiei and Moradi, 2009:47). از مهم ترین وقایع لبنان در دوره ی چهارساله ی دولت نهم در ایران، وقوع جنگ ۳۳ روزه در تیر ماه ۱۳۸۵ بود. در جریان این جنگ ارتش اسرائیل و سیاست مداران آن کشور به منظور توجیه شکست های پیاپی خود با فرافکنی اعلام نمودند که جمهوری اسلامی ایران و بخصوص سپاه پاسداران، با حمایت نظامی و حتی حضور فیزیکی در لبنان، مشغول نبرد با اسرائیل است (Hejazi, 2006:159). همان گونه که راهبرد احمدی نژاد، طی جنگ ۳۳ روزه و بعد از آن تقویت و حمایت از مقاومت اسلامی بود، ضرورت ایجاب می کرد که در روند تحولات آتی لبنان نیز در راستای بیان شده، برنامه ریزی نماید و به منظور تثبیت مقاومت و دستاوردهای آن اقدام کند. در این راستا با توجه به ظرفیت ها و شرایط داخلی لبنان، حمایت از گسترش حوزه تحرکات مقاومت در لبنان و ایفای نقش مؤثر در توافق لبنانی در دستور کار دولت نهم قرار گرفت. به طور کلی ناکامی اسرائیل در جنگ لبنان، جایگاه ایران را در عرصه ی منطقه ای و متعاقب آن بین المللی ارتقا داد و موجب شد ایران در پشت صحنه ی این پیروزی، پافشاری بیشتری بر مطلوبیت های خویش نماید. حمایت از مقاومت سی و سه روزه ی لبنان، پشتیبانی از نهضت اسلامی غزه و مقاومت اسلامی در جریان تجاوز رژیم صهیونیستی به باریکه ی غزه و ... جزئی از راهبرد بسط و توسعه ی راهکارهای اسلامی و ایرانی برای تامین سیاست خارجی دولت نهم محسوب می شود.

۴-۷. موضع گیری در قبال بیداری اسلامی (بهار عربی) در کشورهای خاورمیانه

تحولات جهان عرب پس از سال ۲۰۱۱ شرایط ترتیبات سیاسی و امنیتی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا را دگرگون ساخت. این تحولات که تحلیلگران غربی آن را «بهار عربی» می نامند و غالب مقامات سیاسی و اصحاب رسانه در ایران آن را «بیداری اسلامی» می خواندند، پدیده ای بی نظیر در این منطقه جغرافیای سیاسی محسوب میشد که



سیاست خارجی تمام بازیگران منطقه‌ای از جمله جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار داد (Nejat, 2014: 61). با بروز تحولات سیاسی جدید در منطقه، بعد از وقوع انقلابهای جهان عرب درجه‌ای از حضور فعال ایران در منطقه و شرکت در روند تثبیت نقشها و نظامهای جدید اجتناب ناپذیر شد. در یک بررسی کلی نگاه ایران به تحولات نوین خاورمیانه را میتوان به دو صورت دسته‌بندی کرد: در تحولات مصر، لیبی، تونس و یمن، نگاه ایران بیشتر مبتنی بر تأمین «منافع» بوده است، البته مورد مصر با بقیه فرق میکرد و از اهمیت بیشتری برای ایران برخوردار بود. مصر کشوری با اهمیت ژئواستراتژیک، جمعیت زیاد، برخورداری از فرهنگ، تاریخ و هویت قوی، جامعه پویا و در نتیجه یک بازیگر مهم در جهان عرب و دنیای اسلام است. ایران خواهان تقویت روابط با حکومت آینده مصر، اعم از حکومت ملی یا اسلامگرا بود. مهمترین مسئله برای ایران، خروج مصر از رهبری ائتلاف ضد ایرانی در جهان عرب بود، که همانند رژیم مبارک تحت تأثیر استراتژی آمریکای اسرائیل بوده است. بی تردید توسعه روابط ایران با یک مصر قدرتمند، تأثیرات زیادی بر معادلات سیاسی-امنیتی منطقه‌ای به نفع جمهوری اسلامی داشت.

در مورد لیبی، نگاه ایران متفاوت بود. ایران و لیبی در گذشته روابط محتاط و واقع‌گرایانه‌ای را تنظیم کرده بودند. در مجموع، سیاست کلی ایران حمایت از جنبشهای مردمی در لیبی بود. تحولات تونس و یمن هم با توجه به درجه اهمیت این کشورها از لحاظ منافع و ارزشها، در همین راستا قرار داشتند که ایران سعی کرد تا با احتیاط، یک راه حل بینابینی را در چارچوب حفظ روابط متقابل، برقراری ثبات منطقه‌ای و حمایت از جنبشهای مردمی، البته خارج از مسائل فرقه‌ای شیعه و سنی، دنبال کند. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در تحولات بحرین، متفاوتتر از سایر نقاط جهان عرب بود که مبتنی بر ترکیبی از مسائل مربوط به منافع و ارزشها بوده است؛ از لحاظ منافع ملی، بحرین در حوزه‌ی سیاسی-امنیتی ایران در منطقه حساس خلیج فارس قرار دارد. حضور نیروهای سعودی در بحرین و حمایت آمریکا از این سیاست، با هدف تسلط و کنترل جریانهای سیاسی-امنیتی در بحرین و کل منطقه خلیج فارس، صورت

گرفت (Nejat, 2014:75). در قبال بحران سوریه نیز که عمدتاً تحولات مربوط به آن در دوران دولت یازدهم و دوازدهم اتفاق افتاد وضع اما متفاوت بود.

۸-۴. روابط با سازمان های بین المللی و منطقه ای

با گسترش ارتباطات بین جوامع و دولت ها در عرصه ی بین المللی و ضرورت انجام گفتگو برای درک متقابل و تعیین چارچوب های حقوقی برای روابط، به تدریج ترتیبات فراملی و چندجانبه به عنوان وسیله ای برای تسهیل مذاکره، همکاری و پیگیری توافقات در قالب نهادهای منطقه ای و بین المللی، به عنوان کنشگران جدید شکل گرفتند (Musfa and Aminmansour, 2013:130) سیاست خارجی ج. ۱.۱ از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸، متأثر از عواملی از جمله رویکرد منفی و عملکرد این نهادها در قضیه ی پرونده ی هسته ای ایران و در عین حال برخی انتقادات وارده از سوی ایران، نسبت به ساختارهای این نهادهاست (Musfa and Aminmansour, 2013:35) سازمان ملل متحد، به عنوان اصلی ترین نهاد حفظ صلح و امنیت بین المللی، برای جمهوری اسلامی ایران از جایگاه خاصی برخوردار است.

احمدی نژاد در اولین حضور خود در مقر سازمان ملل تاکید کرد تهران آماده صدور سوخت هسته ای به کشور های دیگر به ویژه کشورهای مسلمان است. در پی این سخنرانی احمدی نژاد، وزیر خارجه آمریکا در پشت تریبون این اجلاس قرار گرفته و خواهان ارجاع هرچه سریع تر پرونده هسته ای تهران به شورای امنیت سازمان ملل متحد شد و به فاصله اندکی نیز این خواسته واشنگتن به تحقق پیوست و پس از چندی نیز تحریم های بیشتری در شورای امنیت در قبال ایران وضع شد.

در سال ۱۳۸۸ و در اوج حوادث پس از انتخابات، و در فضای آغاز دولت دوم دکتر احمدی نژاد، بار دیگر بحث مدیریت جهانی جایگاه ویژه ای در سخنرانی وی در مجمع عمومی سازمان ملل پیدا کرد. این سفر، خبرسازترین سفر احمدی نژاد به نیویورک بود و با حواشی فراوانی همراه شد. عده ی زیادی جلسه را هنگام سخنرانی وی ترک کردند و پس از آن نیز چالش های زیادی علیه ایران به راه انداخته شد. (Afzali and Kiani, 2013:175)



نتیجه گیری

این تحقیق در پی آن بود تا سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران طی سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲، را بر مبنای سند چشم انداز بیست ساله‌ی کشور، از طریق میزان تطابق و عدم تطابق عملکرد دستگاه سیاست خارجی کشور طی این سالها با اهداف سند چشم انداز بیست ساله ارزیابی و مشخص نماید. هرگاه یک برنامه تهیه می‌شود و برای اجرای آن سازماندهی به عمل می‌آید، انتظار این است که هدف های برنامه تحقق پیدا کند و در اجرای برنامه، اطمینان وجود داشته باشد که روند حرکت دقیقاً به سوی اهداف تعیین شده است. اطمینان از این که اجرای برنامه و هدایت آن درست صورت می‌گیرد و در صورت مشاهده انحراف، اقدام لازم برای تصحیح آن به عمل می‌آید، نیازمندی فرایندی است که می‌توان آن را ارزیابی نامید. در محیط پیچیده بین الملل کنونی، نمی‌توان بدون ارزیابی سیاست خارجی، روابط و تعاملات موثر و سازنده با سایر بازیگران بین‌المللی برقرار نمود. برای دستیابی به یک سیاست خارجی مطلوب، یکی از مهمترین پیش نیازها، ارزیابی عملکرد گذشته‌ی دستگاه سیاستگذاری است تا از این طریق بتوان نقاط قوت و ضعف آن را شناسایی نمود و ایرادات گذشته را برطرف و اقدامات مقتضی را در برنامه‌ریزی های آتی، مدنظر قرار داد.

برای انجام این امر، آن چه در وهله نخست اهمیت دارد، ارائه مدلی مناسب برای ارزیابی عملکرد یک مجموعه است. مدلی که در این پژوهش جهت ارزیابی سیاست خارجی مورد استفاده قرار گرفت، مدلی است که در آن سه فاکتور مهم تغییر و تحولات بین المللی، مدنظر قراردادن اهداف و چشم اندازهای کلان آتی نظام و نیز توجه همزمان به شاخص های کمی و کیفی در سنجش و ارزش گذاری عملکرد ۸ ساله سیاست خارجی مورد توجه قرار گرفت. در این راستا اگر بخواهیم مبنا را سه مدل ارزیابی عملکرد قرار دهیم به نتایج ذیل بر این مبنا دست می یابیم. لازم به ذکر است چنانکه گفته شد در مدل مثل عملکرد به سه اصل کارایی، اثربخشی و تحول تکاملی تکیه می شود، در الگوی فیشر به سه گروه شاخص های کیفی، نیمه کمی و شاخص های کمی تقسیم بندی شده اند، همچنین در الگوی کارت متوازن نیز که بر اساس آن در اولین گام آن می بایست دیدگاه آتی سازمان مشخص گردد. سپس در راستای دیدگاههای حاکم بر

سازمان، اهداف استراتژیک تدوین می یابند و یا می بایست تدوین شده باشند؛ مورد تحلیل قرار می گرفت. لذا در این راستا هم به سه اصل کارایی، اثربخشی و تحول تکاملی توجه شده و هم به شاخص های کیفی و کمی و هم بر اساس الگوی کارت متوازن دیدگاه آتی سازمانی، که همان سند چشم انداز می باشد، مورد بررسی قرار داشته است.

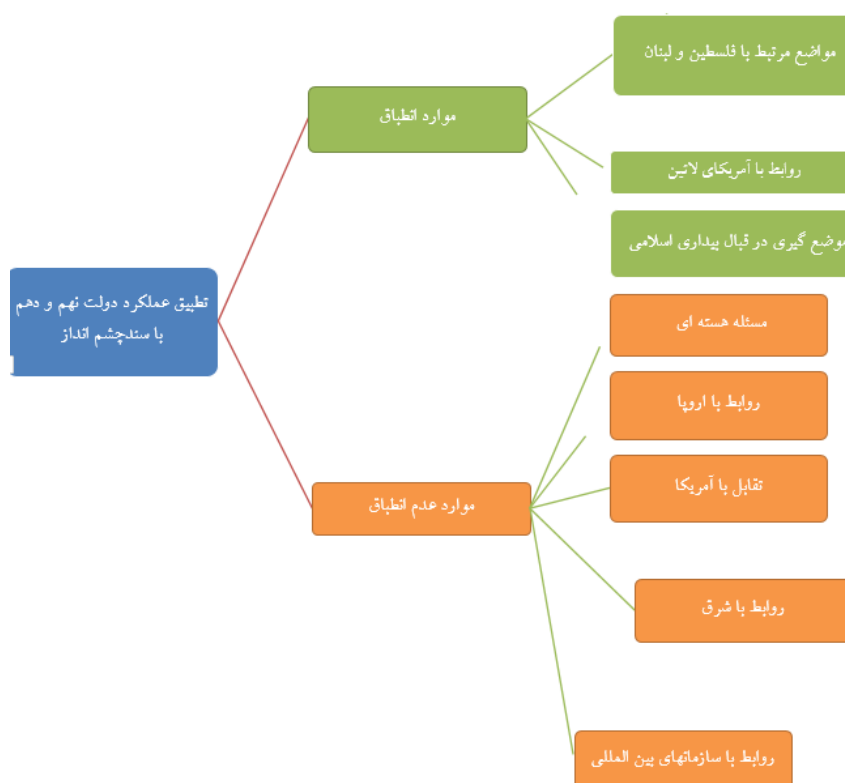
در مورد تحلیل سیاست خارجی در دولت نهم و دهم و انطباق با سند چشم انداز بیست ساله بعنوان یک سند بالادستی و الزامی، این نتیجه حاصل گردید که دولت محمود احمدی نژاد در برخی مؤلفه ها منطبق با سیاست ها عمل نموده و در برخی اساساً عملکرد دولت وی قابل انطباق با اهداف سند چشم انداز نبوده است و از این رو مبتنی بر مدل مثلث عملکرد نمی توان این عملکرد را در همه مؤلفه ها منطبق با اهداف مورد اشاره در نظر گرفت.

اتخاذ و پیگیری راهبرد شالوده شکن در قبال نظم و نظام بین الملل، سیاست نگاه به شرق، تقویت همکاری های منطقه ای و اسلامی، آمریکای لاتین گرایی، استفاده از سمبولیسم، جنبش عدم تعهد و.... نمونه هایی از تغییر جهت گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران حاکمیت دولت نهم و دهم است. در حقیقت، سیاست خارجی ایران در بستر گفتمان اصول گرایی عدالت محور تهاجمی شده و نسبت به آمریکا و غرب نیز به مرز تقابل رسید. تقابلی که در پرونده هسته ای ایران نیز کاملاً مشهود و ملموس بود و عواقب و آثار ناخوشایند آن همچنان گریبانگیر سیاست های داخلی و خارجی ایران است. این رفتار را مبتنی بر الگوی کارت امتیاز متوازن باید عدم نیل به اهداف استراتژیک از پیش تعیین شده دانست.

در مجموع چنین بر می آید که چنانکه عملکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران طی سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ را مورد بازنگری قرار دهیم، در می یابیم که عملکرد دولت نهم و دهم، با اهداف سند چشم انداز بیست ساله کشور و سیاست های کلی نظام همسویی کامل نداشته و ضعف های بسیاری در این خصوص قابل مشاهده است. بر این اساس جدول زیر از دیدگاه نگارنده گویای موارد انطباق و عدم انطباق عملکردهای مختلف و مهم دولت نهم و دهم در حوزه سیاست خارجی با سند چشم انداز می باشد. همانگونه



که در این جدول مشاهده می‌شود، موارد انطباق شامل: «مواضع مرتبط با فلسطین و لبنان»، «روابط با آمریکای لاتین» و «موضع گیری در قبال بیداری اسلامی» و موارد عدم انطباق نیز شامل: «پرونده هسته‌ای»، «روابط با اروپا»، «هولوکاست»، «تقابل با آمریکا»، «روابط با شرق» و «روابط با سازمان های بین‌المللی» می‌باشد.



- Akhavan Kazemi, B, (2009), Discourse on Justice in the Ninth Government, Political Knowledge, Year 1, Issue 2. (In Persian)
- Akraminia, M, (2013), Foreign Policy Strategies of the Islamic Republic of Iran in Achieving the Goals of the Vision 2025, Strategic Studies Quarterly, Year 16, Issue 2. (In Persian)
- Izadi, J; Khalafi, F, (2011), Strategies for Effective and Constructive Interaction of Iran in the International System Based on the Vision Document, Policy Guidance Quarterly, Year 2, Issue 3. (In Persian)
- Adami, A, (2010), The Strategy of Looking East in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran: Perspectives, Contexts and Opportunities, Political Studies Quarterly, Year 2. Issue 7. (In Persian)
- Behzadian, M, (2010), Strategic Management with a Balanced Scorecard, presented at the Seventh Industrial Engineering Student Conference, Tehran. (In Persian)
- Tavakolipour, M. M, (2009), Legal Review of Iran's Nuclear Issue, Tehran: Islamic Revolution Documents Center. (In Persian)
- Hejazi, H, (2006), A Lebanon of Resistance, a Claiming Israel, Qom: Baqiyat Al-Atra Publishing. (In Persian)
- Daneshfard, K. A, Vahdani .K, and Aghazh .A, (2009), Examining the Role of Implementing a Balanced Scorecard in Improving Organizational Performance, Quarterly Journal of Educational Management Leadership, Islamic Azad University, Garmsar Branch. Year 4. Issue 2. (In Persian)
- Dehghani Firouzabadi, S. J, (2007), Discourse of Justice-Based Fundamentalism in the Foreign Policy of the Ahmadinejad Administration, Bi-Quarterly Journal of Political Science, Issue 5. (In Persian)
- Rahimi, Gh, (2006), Performance Evaluation and Continuous Improvement of the Organization, Tadbir Magazine, Issue 173. (In Persian)
- Sajjadpour, M. K; Nouriyan, A, (2009), Planning in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran: Examining the Relationship between Regional Power, Economy, and Foreign Policy Based on the Vision Document. Strategy Quarterly, Year 19, Issue 56. (In Persian)
- Soleimani, Gh. A, (2011), Critique and Review of the Rational Decision-Making Model in Foreign Policy, Foreign Policy Quarterly, Year 25, Issue 2. (In Persian)
- Shafiee, N; Sadeghi .Z, (2010), Iran's Options in Foreign Relations Based on the Look East Policy, Yas Strategy, Issue 22. (In Persian)
- Safavi Hammami, S. H, (2011), Dissection of the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran, Tehran: Imam Sadeq University. (In Persian)

- Abbasi Ashlaghi, M, (2009), Iran's Nuclear File, Quarterly Journal of Political Science, Issue 8. (In Persian)
- Abdokhodai, M, (2009), The Issue of Human Rights in Iran-EU Relations, Journal of Political Science and Foreign Policy, Year 24, Issue 2. (In Persian)
- Alavi, S, (2016), Evaluation of the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran Based on the Vision Document and General Policies of the System, Quarterly Journal of Strategic and Macro Policies, Year 4, Issue 15. (In Persian)
- Gharibabadi, K, (2007), Nuclear Policies and Achievements of the Ninth Government, Quarterly Journal of Islamic Government. Issue 1. (In Persian)
- Farzinnia, Z, (2008), Iran and Asia in the Ninth Government; Ups and Downs. Foreign Policy Quarterly, Year 2, Issue 22. (In Persian)
- Falahi, S, (2007), Comparative Study of Nuclear Diplomacy during the Presidency of Mohammad Khatami and Mahmoud Ahmadinejad (Until the End of Security Council Resolution (1747), Journal of Political Science, Issue 6. (In Persian)
- Ghanbarloo, A, (2008), America and the Iranian Nuclear Crisis, Strategic Studies Quarterly, Year 11, Issue 4. (In Persian)
- Qahrampour, R, (2008), Approach of Major Powers to the Nuclear Issue, Tehran: Vice-Chancellor of Research, Islamic Azad University. (In Persian)
- Karami, J, (2009), Iran-Russia Relations in the Years 1989 to 2009, Contexts, Factors and Limitations. Central Eurasian Studies, Year 3, Issue 6. (In Persian)
- Kozegar-Kaleji, V, (2008), Reflections on Iran's Foreign Policy in Latin America, Report, Year 17, Issue 98. (In Persian)
- Moshirzadeh, H; Mesbah. E, (2011), The Israeli Issue in the Foreign Policy Discourse of the Islamic Republic of Iran, Quarterly Journal of Foreign Relations, Year 3, Issue 1. (In Persian)
- Musfa, N; Javad A. M., (2013), The Role of the Islamic Republic of Iran in Regional and International Institutions, Year 1, Issue 1. (In Persian)
- Malakifar, A and Shalchifar. M, (2005), A Step-by-Step Guide to Implementing the Balanced Scorecard as a Strategic Evaluation System. Management of Tomorrow. Year 3, Issue 9 and 10. (In Persian)
- Mosakhani, M, Dadkhah, D, and Roghieh H, (2009), Presenting a Conceptual Framework for University Performance Evaluation. Quarterly Journal of Educational Leadership and Management, Islamic Azad University, Garmsar Branch. Year 3, Issue 3. (In Persian)
- Mosizadeh, R, (2011), Law of International Organizations (Law of the Security Council), Tehran: Mizan Publishing. (In Persian)

- Nejat, S.A, (2014), The Foreign Policy Approach of the Islamic Republic of Iran towards New Developments in the Middle East, Politics Quarterly, Year 1, Issue 4. (In Persian)
- Nouri, V, (2010), Geographical-Ideological Priorities in the Foreign Policy of the Ninth Government, Political Approach, Issue 27 and 28. (In Persian)
- Elahi, Sh, (2019), The Triangle of Organizational Performance (Evaluating the Performance of the Country's Executive Bodies). Presented at the Shahid Rajaee Congress. Tehran. (In Persian)
- Ashley, Richard, (1988), "Foreign Policy as Political Performances", International Studies Notes, No. 13, fall.
- Ben-gera, Michal, 2009, Coordination at the center of government for better policy making, conference paper.
- Berman, Ian .2012. "The Kremlin's Iran Problem". Washington: American Foreign Policy. June 18.
- Forrester, J, (1987) Lessons from system dynamics modeling, system dynamic review, 3(2)
- Guzzini, Stefano (2000), "A Reconstruction of Constructivism in International Relations", European Journal of International Relations,